



آیت الله قرهی: ضعفا! حتی شده نان و سرکه بخورید که به حج بروید

آیت الله قرهی در مبحث حج عارفان گفت: حتی شده نان و سرکه بخورید، پول هایتان را جمع کنید که به حج بروید.

آیت الله قرهی در مبحث حج عارفان گفت: حتی شده نان و سرکه بخورید، پول هایتان را جمع کنید که به حج بروید. به گزارش خبرگزاری مهر آیت الله قرهی در مبحث حج عارفان مطالبی را فرموده که متن آن در پی می آید.

«الحجُّ جهادٌ کلٌّ ضعیف» [1]. این که بیان کردیم حاء حج، حق خواهی و جیم آن، جهاد با نفس است، همین طوری بیان نکردیم، فرمایش بزرگان است که گاهی ذیل این مطالب، انسان به روایات آن هم می رسد و می بیند عجب روایات زیبایی است. اصلاً حج، خودش یک جهاد است، «الحجُّ جهادٌ کلٌّ ضعیف» جهاد برای کسی که ضعف ایمان دارد. این که ما در روایت داریم که حتی شده نان و سرکه بخورید، پول هایتان را جمع کنید که به حج بروید، برای این است که انسان آنجا می رود، ساخته می شود.

شاید یک معنای «الحجُّ جهادٌ کلٌّ ضعیف» هم این باشد که به ضعفا هم می گویند: اگر می خواهی جهاد کنی، پول هایت را جمع کن، به حج برو، نه این که حج بروی و بیایی که به تو بگویند: حاجی هستی، آن قضیه کل علی نشود که گفت سوار کشتی شدم، داشتیم می رفتیم، یک دفعه کشتی به تلاطم افتاد، کسی جلو آمد، گفت: حاج علی! چه کنیم؟ پیاده شدیم، بعد آنجا گیر کردیم، گفت: حاج علی! چه کنیم؟ رفتیم در منا این طور شد و ...، مدام می گفت: حاج علی! همه جریان را تعریف کرد، صحبتش که تمام شد، یکی از مردمی که آمده بود، به او گفت: عجب ماجرای داشتی، کل علی! - مردم به بعضی از اسم ها عادت می کنند، از قبل به او کل علی می گفتند، او این همه داستان را با حاج علی! گفتن، تعریف کرد که بگوید من حاج علی شده ام، از این به بعد من را حاج علی صدا کنید، اما او گفت: عجب ماجرای داشتی کل علی! - پس این طور نیست که ما حج برویم که حاجی شویم و به ما حاجی بگویند، خیر، انسان برود که بالجد حاجی حقیقی شود.

«الحجُّ جهادٌ کلٌّ ضعیف» پس شاید یک معنای ضعیف هم این باشد که حتی ضعفا هم می توانند بروند و جهاد با نفس کنند. حج، فقط مخصوص اغنیا نیست.

البته خیلی از افراد، ضعیف نفسانی هستند ولی از لحاظ ثروت به ظاهر متمکنند، هیچ کس غنی نیست. تنها غنی، حضرت حق است. اصلاً لفظ غنی غلط است، نمی توانیم بگوییم: اغنیاء، این غلطی است که مصطلح شده است، اگر در روایت هم بیان میشود، تعبیر این گونه نیست - که إن شاء الله به موقع عرض می کنم -.

«يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ» [2] ما همه فقیر مطلقیم در مقابل غنی مطلق. چه می فهمیم که غنی چیست. این، تمکنی است که خدا داده است، «هُوَ الْغَنِيُّ» غنی اوست. منظور از «الْفَقْرُ فَحْرِي» [3] همین است که انسان خودش را همیشه فقیر خدا بداند و إلا منظور، نداشتن تمکن مالی یا قدرتی و ... نیست، انسان خود را فقیر الی الله بداند. اتفاقاً هر که فقیر شد، خدا دستش را می گیرد و هر که احساس غنی بودن کرد، خدا می گوید: خوب خودت داری. این فقیر دانستن هم در همه زمینه هاست؛ فقر تدبیر داری، خدا امورت را به دست خود می گیرد، فقر علمی است، خدا به تو علم می دهد و ... فقط انسان مدام خود را فقیر بداند. «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ» اگر انسان این آیه را بفهمد و درک کند دوست دارد همیشه فقیر باشد.

[1] بحارالانوار، ج: 96، ص: 15

[2] فاطر / 15

[3] بحارالانوار، ج: 69، ص: 30